

مکشا از دیدگاه مکتب بهکتی ویشنویی (از رامانوجه تا نانک)

ابوالفضل محمودی*

سمانه تولیتی**

چکیده

انسان ها در طول تاریخ همواره به دنبال رسیدن به نجات و سعادت ابدی بوده اند و از آن به تعبیر مختلف یاد کرده اند. هندوان نیز در پی اعتقاد به آموزه تناسخ و کرمه، این هدف را مترادف با مکشا یا نجات از چرخه سمساره و کرمه دانسته اند که روح در این حالت به اتحاد غایی با برهمن می رسد و می تواند سعادت و زندگی جاوید را تجربه کند. در این میان، اندیشمندان مکتب بهکتی با تکیه بر تعالیم بهگودگیتا (یکی از کتب مقدس هندو)، تفاسیر مختلفی را از راههای رسیدن به مکشا و چگونگی این جایگاه بیان کرده اند.

این نوشتار بر آن است تا ضمن معرفی مکشا و انواع گوناگون آن، مختصری از دیدگاه ها و نظرات شخصیت‌های برجسته مکتب بهکتی همچون رامانوجه، نیمبارکه، مدهوه، ولبهه، کبیر و نانک را ارائه دهد.

کلید واژه ها

سمساره، کرمه، مکشا، بهکتی، جیون موکتی، ویدهه موکتی، رامانوجه

* استادیار واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی

** دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

نوشته های هندی با گرایش سیاسی اغلب سه هدف - ورگه^۱ - را در زندگی دنیوی بیان می کنند که عبارتند از: ارتهه^۲ ، کامه^۳ و دهرمه^۴ . مکشا نیز به عنوان هدف چهارم در یک متن دینی - فلسفی اضافه می شود. اندیشمندان در تقدّم و تأخّر ارتهه و کامه اختلاف دارند، عدّه ای کامه را نخستین هدف و ارتهه را دومین هدف ذکر کرده اند.

ارتهه از لحاظ لغوی، به معنای امور مادی و شامل چیزهایی است که فرد می تواند آنها را در زندگی دنیوی خود به دست آورد و از این امور ، لذّت ببرد. ارتهه حاکی از " رسیدن به ثروت و مال دنیوی ، امتیاز، سود و " است.

کامه ، همان خوشی و عشق است و در اسطوره شناسی هند، مترادف الهه عشق می باشد. آن با سینه و پنج تیر از گل ، اشتیاق و علاقه را تحریک می کند و آن را به درون قلب می فرستد. مکتب هندو بر زهد ، تجرّد و ریاضت بسیار تأکید می کند و کامه بر خلاف تفکّر اصلی هندوئیسم، ازدواج با عشق را می آموزد.

دهرمه، سوّمین هدف از اهداف چهارگانه است که شامل کلّ متون دینی و وظایف اخلاقی می شود. دهرمه شاستره ها^۵ و دهرمه سوتره ها^۶ یا کتب قوانین از متونی به شمار می روند که با این هدف مرتبط هستند.

ارتهه ، کامه و دهرمه به عنوان تریورگه^۷ (دسته سه تایی)^۸ شناخته می شوند و مکشا به عنوان چهارمین هدف در رأس سه هدف قبلی قرار می گیرد.^۹

1. varga

2. artha

3. Kāma

4. dharma

5. *Dharmaśāstras*

6. *Dharmasutras*

7. trivarga

8. group of three

9. Cf. Zimmer, Henrich , *Philosophies of India*, pp.35-41.

مکشا

هندوان نجات و رستگاری (مکشا) را مبتنی بر رهایی کامل از سمساره و کرمه و نتایج ناشی از آن دو می دانند. به اعتقاد آنها، واژه کرمه از ریشه سنسکریت "کری"^۱ به معنای " عمل کردن، انجام دادن و به وجود آوردن " مشتق می شود.^۲ کرمه در اصطلاح، قانون کیفیت نتیجه عمل و نیروی محرک در پشت چرخه تولدهای مجدد یا تناسخ (سمساره) است. هر عملی که توسط فردی انجام می گیرد، از خود اثری باقی می گذارد و دارای نیرویی است تا طبق خوبی و بدی آن عمل، برای او در آینده خوشی یا مصیبت را مقدر کند.^۳ بر طبق این اصل، هر آنچه می کاریم درو می کنیم. دانه و بذر خوب، یک محصول خوب و دانه و بذر نامرغوب، محصولی بد را در پی خواهد داشت.^۴

این آموزه، سمساره را به دنبال خود دارد. سمساره در لغت به معنای سیار، مسافر و دوره گرد^۵ و در اصطلاح، " چرخیدن در دسته ای از مراحل "^۶، " تناسخ "، یا " تولد دوباره " است. به عبارت دیگر، فلاسفه هندی وجود یک روح را در ارتباط با کرمه می پذیرند که برای دریافت جزا و پاداش از بدنی به بدن دیگر می رود. اصطلاح مکشا، صیغه مذکر سنسکریت است و صیغه مؤنث آن، موکتی^۷ از ریشه "موج"^۸ یا "مکش"^۹ به معنای "نجات یافتن" و "رهایی" مشتق می شود. این

1. kr

2. Cf. Mohony, K. William, " Karman " , *The Encyclopedia of religion* , vol.8, p.262.

3. Cf. Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy* , vol.1, p.71.

4. Cf. Radhakrishnan, S , *Indian Philosophy* , vol.1, p.244.

5. Bowker, John , *The Oxford Dictionary of World Religion*, p.849.

6. Cf. Smith , Brian.K, " Samsāra " , *The Encyclopedia of Religion*, vol . 13, p.56.

7. mukti

8. muc

9. mokṣ

واژه در زبان پالی، به دو صورت "ویموتی"^۱ و "ویموکھے"^۲ می آید و همیشه در یک معنای دینی خاص به نجات از چرخهٔ ملالت آور سمساره دلالت دارد.^۳

اقسام مکشا

مکشا دارای دو جنبهٔ سلبی و ایجابی است. جنبهٔ سلبی آن به معنای رها شدن یا از شر چیزی خلاص شدن است و جنبهٔ ایجابی اش، آرامش، امنیت و حصول را در بر دارد. چنانچه این دو جنبه با هم در نظر گرفته شوند، جنبهٔ ایجابی بیشتر به ذهن خطور می کند و محور اعتقادات دینی مردم هند را به وجود می آورد. مکشا به دو قسم "جیون موکتی"^۴ و "ویدهه موکتی"^۵ تقسیم می شود. "جیون موکتی" به معنای نجات یافتن در این زندگی است، در حالی که هنوز مرگ فرد، فرا نرسیده است. انسان هایی که قبل از مرگ نجات یافته اند، به دور از شهوت و امیالی هستند که به تولد مجدد منجر شود. این افراد، از جایگاه اندیشه و اعمال (لوکیکه)^۶ فراتر رفته و به جایگاهی فراتر (لکتره)^۷، قدم گذاشته اند. آنها به زندگی خود ادامه می دهند، زیرا نیروهایی که باعث ادامهٔ حیات می شود، از بین نرفته اند. این اشخاص به بالاترین هدف خودشان رسیده اند، بنابراین منتظر می مانند تا عمرشان به پایان رسد.^۸ فرد در "ویدهه موکتی" - قسم دوم مکشا - در

1. vimutti

2. vimo(k) kha

3. Cf. Zimmer, Henrich, *op.cit*, p.41; Bowker, John, *op.cit*, p.650; Rhys Davids, C.A.F., "mokṣa", *The Encyclopedia of Religion & Ethics*, vol.8, p.770; Esnoul, A.M., "Mokṣa", *The Encyclopedia of Religion*, vol.10, p. 28.

4. jivanmukti

5. videhamukti

6. loukika

7. lokottara

8. Cf. Guota, sanjukta, "Jivanmukta", *The Encyclopedia of Religion*, vol.8, p.95; De la vatee, "Jivanmukta", *The Encyclopedia of Religion & Ethics*, vol.7, pp.563-564.; Bowker, John, *op.cit*, p.503.

حالی که از قید بدن آزاد شده است، نجات می یابد. در این حالت، آتمن شخص به وسیله معرفت و بدون پیکر به رستگاری نائل می شود.^۱

اعتقاد به این آموزه در سمهیتها و براهمنه ها به صورتی نامحسوس وجود دارد و در اوپنیشادهای متقدم مشاهده می شود. اوپنیشادهای متأخر توانستند تعریف بسیار مناسبتری از مکشا ارائه دهند. در سراسر اوپنیشادهای، دو برداشت مختلف در مورد مکشا وجود دارد. این دو، همانندی^۲ با خدا و یکی شدن^۳ با او هستند.

هنگامی که روح رستگار شده با خداوند یکی می شود، خود را خالق جهان میداند.^۴ در این حالت هیچ معنایی از فردیت وجود ندارد و آن را می توان به خواب بدون رؤیا تشبیه کرد. با یکی شدن روح با برهمن، یک جنبه سلبی و یک جنبه ایجابی به چشم می خورد. روح در جنبه سلبی، به نظر می رسد به طور کلی تمایز را از دست می دهد و تبدیل به چیزی می شود که نه آتمن است و نه برهمن؛ و این حالت، تا حدی گنگ و مبهم است. روح رستگار شده در جنبه ایجابی به عنوان فردی به کمال رسیده با روح متعال یکی می شود.

دیدگاه دیگر همانندی با خداوند است. در این طرز تلقی، خود (آتمن) انسان از بین برده نمی شود. مانند اشعه خورشید نسبت به خورشید، موج نسبت به اقیانوس و نت های موسیقی در یک ترانه؛ در عین اینکه اشعه خورشید از خورشید، موج از اقیانوس و نت های موسیقی از آهنگ تفاوت دارند، در عین حال، مانند خورشید، اقیانوس و آهنگ هستند. فردیت در این مرحله حفظ می شود و این امکان برای شخص نجات یافته وجود دارد که عمل کند.^۵

1. Cf. Bowker, John, *op.cit*, p. 1021.

2. likeness

3. oneness

4. Cf. Radhakrishnan, S, *op.cit*, vol.1, p.239.

5. Cf. Radhakrishnan, S, *op.cit*, vol.1, pp.236-242; Spencer, Sidney, *Mysticism in World Religion*, pp.26-29; Dasgupta, Surendranath, *op.cit*, vol.1, pp.58-61.

گیتا - بخشی از حماسه مهابهارته - مکشا را آرمانی متعالی می داند. این اثر مانند اوپنیشادها به مکشا از دو جنبه سلبی و ایجابی می نگرد. چنانچه جنبه سلبی آن مد نظر باشد، به معنای رهایی از عمل، مرگ و تولد مجدد است و اگر جنبه ایجابی اش مورد توجه قرارگیرد، کمال و جایگاه برتر، برترین خوشی، آرامش، بی مرگی معنا می شود.^۱ گیتا اغلب مکشا را به عنوان "جایگاه برهن" ^۲، "نیروانه"^۳ برهن" ^۴ و "رسیدن به برهن"^۵ بیان می کند.

بنا بر گفتارهای این اثر، روح نجات یافته در مکشا شبیه^۶ ذات الوهی می شود و به استغراق^۷ نمی رسد.^۸ او با اراده خداوند به فعالیت می پردازد و صورتی از وجود (بهاوه)^۹ خداوند را به دست می آورد. چنین روحی باید در زندگی دنیوی اعمالی را به جا آورد، اما به نتایج آنها هیچگونه دلبستگی نداشته باشد.^{۱۰}

متون ودانته ای متعلق به سده های میانه که به صورت تفاسیری بر برهنه سوتره^{۱۱} هستند، اصطلاح مکشا را ترجیح داده اند. تفاسیر شنکره^{۱۲} (۸ میلادی)، رامانوجه^{۱۳} (۱۱ تا ۱۲ میلادی)، نیمبارکه^{۱۴} (۱۳ میلادی)، مدهوه^{۱۵} (۱۴ میلادی) و

1.Cf. Dhavamony , Mariasusai , *Love of God* ,p.80.

2.*Bhagavadgītā* , V.19-20; trans by Franklin Edrgerton.

3.nirvāṇa

4.*Ibid* , VI.15.

5.*Ibid* ; VIII.24 ; XVIII.50.

6.assimilate

7.absorption

8.Cf .Radhakrishnan , S , *The Bhagavadgītā* , p.76;Dhavamony , Mariasusai , *op.cit* , p.83.

9.bhāva

10.Cf .Radhakrishnan , S , *op.cit* , pp.76-77.

11. *Brahmasūtra*

12. Śankara

13. Rāmānuja

14. Nimbārka

15. Madhva

ولبهه^۱ (۱۵ میلادی) از همه حائز اهمیت بیشتری هستند. فلاسفه هندی قرن نوزدهم و اندیشمندان معاصر نیز به تأسی از این افراد، به اصطلاح مکشا وفادار ماندند و همچنان این واژه را در آثار خود به کار می برند.^۲

مکشا از دیدگاه اندیشمندان بهکتی

۱- رامانوجه

رامانوجه از شخصیت های برجسته مکتب بهکتی است. از دیدگاه او نجات مبتنی بر از بین رفتن "خود"^۳ نیست، بلکه در اثر آن، روح از قيود سمساره رها و خصوصیات ماهوی عقل تجلی می یابند. زیرا هویت فردی و ذاتی در سمساره تحت تأثیر اویدیآ^۴ (جهل و نادانی) و کرمه قرار می گیرد. از روح نجات یافته با عنوان سورات^۵ نام برده می شود، به این معنا که تحت تأثیر قانون کرمه قرار نمی گیرد.^۶ هیچ تفاوتی در مکشا بین ارواح خدایان ، انسان ها ، حیوانات و گیاهان وجود ندارد. تفاوت بین ارواح در عالم سمساره، و ناشی از ارتباط آنها با بدن های مادی است که به روح ، کیفیت منحصراً به فرد و معنایی خاص عطا می کند.^۷ روح رستگار شده به صورت دائمی با خداوند متحد می شود، اما هرگز همسان با او نمی شود.^۸

رامانوجه در آثار متأخر خود ، از مکشا به عنوان "کنیمکاریه پراپتی"^۹ یا خدمت ابدی به خداوند تعبیر می کند.^۱ این خدمت به ایشوره مانند خدمات دیگر انسان ها خسته کننده و ملال آور نیست.^۲ او در شری بهاشیه می گوید:

1. Vallabha

2. Cf. Rhys Davids, C.A.F, *art.cit*, vol.7,pp.770-772; Esnoul , A.M , *art.cit*, vol.10,pp.28-29.

3. self

4. avīdyā

5. svarāṭ

6. Śrutaparakāśika , i.I.I ; Quoted by Radhakrishnan in *Indian Philosophy*, vol.2,p.710.

7. Cf. Radhakrishnan , S , *op.cit* , vol.2,pp.709-710.

8. Cf. A.L. Basham , " Hinduism " , *The Concise Encyclopedia of LivingFaiths* , p.234.

9. kaimkāryaprāpti

«شخصی که با تمام وجود در برهمن استغراق می یابد، از یک معرفت شهودی نسبت به برهمن برخوردار خواهد شد، و این امر زمانی تحقق می یابد که فرد مورد نظر با احترام عمیقی بر او متمرکز شود. عابدی که این شهود را با اخلاص شدید درک می کند، هیچ چیزی را جدا از او نمی بیند؛ زیرا کل حقیقت در ذات برهمن و تجلی صوری یا ویهوتی او قرار می گیرد. در نظر چنین انسانی با این ویژگی، تصوّر کثرت، معنایی ندارد.»^۳

رامانوجه "جیون موکتی" را ردّ می نماید و بر این باور است که با داشتن کرمه و بدن مادی، نجات امکان پذیر نیست.^۴

۲- مدهوه

به اعتقاد مدهوه، نجات یا مکشا مبتنی بر تجلی ذات حقیقی جیوه آتمن است. وقتی جیوه، بهکتی و معرفت لازم را به دست می آورد، پروردگار با لطف خود، ذات حقیقی و صفت آننده (بهجت و سرور) او را که بر اثر اویدیا مخفی مانده بود، متجلی می سازد. تجلی آننده، به معنای همسانی با برهمن نیست، بلکه حتی در حالت مکشا نیز، روح فردیت و شخصیت خود را حفظ می کند.^۵

او به وجود سلسله مراتب مکشا در میان ارواح نجات یافته معتقد است و این تفاوت در مراتب را ناشی از معرفت و بهکتی می داند. به اعتقاد او، همانطور که ظرف، رودخانه، و اقیانوس، ظرفیت های مختلفی برای گنجایش آب دارند، جیوه ها نیز بر اساس "سادهنه"^۶ یا ساختار ذهنی شان، از سعادت و بهجت

1.Cf. Klostermier, Klaus.K, *Hindu Writings*, p.40.

2.Cf. Dasgupta, Surendranath, *Loc.cit.*

3. Cf. Veliath S.J, Cyril, *The Mysticism of Rāmānuga*, p.168.

4.Cf. Shivkumar, Muni, *The Doctrine of Liberation in Indian Religion*, p.145 ; Radhakrishnan, S, *op.cit.*, vol.2,p.710.

5.Cf. Dasgupta, Surendranath, *op.cit.*, Vol.4,p.60; Narain, K, *An Outlines of Mādhva Philosophy*, p.166.

6. sādhana

بهره مند می شوند. بعضی ، طالب سعادت اندک و برخی دیگر، خواستار سعادت بیشتر هستند.^۱ مدهوه در پی اعتقاد به وجود سلسله مراتب ، چهار قسم از موکتی را برمی شمارد :

(۱) *سالکیه - موکتی*^۲ : روح در این مرحله ، به محل اقامت پروردگار یعنی "وئیکونتهه"^۳ وارد می شود.

(۲) *سمپیه - موکتی*^۴ : در این کیفیت، موکته - جیوه^۵ در جوار قرب الهی قرار می گیرد.

(۳) *سروپیه - موکتی*^۶ : در این مقام، حالت ارواح بسیار سعادتمند است. آنان در عین زیستن در وئیکونتهه و قرارگرفتن در قرب الهی، تقریباً شکل و نمودی از خداوند را به خود می گیرند، تا نشان دهند که بهجت و ذات آنها شبیه به پروردگار است.

(۴) *سایوجیه - موکتی*^۷ : بالاترین و برترین جایگاه رستگاری است. در این مرحله، بهجت و سعادت روح نجات یافته، کاملاً شبیه به برهمن می شود، شکل پروردگار را به خود می گیرد، و با او یکی می شود. شاید بعضی آن را با مکشای شنکره یکی بدانند ، اما ویاسه - تیرتهه^۸ ، یکی از مفسران آثار مدهوه در *نیایامرتیه*^۹ خود ، توجه همه را به این نکته جلب می کند که

1. Madhva , *Bṛhadāraṇyaka Upanisad Bhāṣya XIV* , English trans. in *Sacred Books of the Hindus* (Vol.14) by Bahadur sri chand vasu , 1916, Reprinted by AMS press , New york 1974 ; Quoted by Klaus K. Klostermaier in *Hindu Writings* ,pp.48_49.

2. sālōkya_mukti

3. vaikunṭha

4. samīpya _ mukti

5. mukta_ jīva

6. sarūpya_ mukti

7. sāyujya _ mukti

8. Vyāsa_ Tīrtha

9. *Nyāyāmṛta*

سایوجیه موکتی، هرگز نباید به اینهمانی کامل^۱ تفسیر شود. او بیان می کند که یگانگی در این جایگاه مانند مخلوط شدن شیر با آب است^۲ که اجزای سازنده آن، هویت خود را از دست نمی دهند.^۳

ویژگی قابل توجه دیگر در خصوص مکشا این است که ارواح نجات یافته، دارای بدن هایی از جنس شعور محض^۴ هستند که بهجت و شادی را تجربه می کنند. این بهجت، کاملاً غیر مادی و الوهی است و باعث محدودیت جیوه نمی شود.

مدهوه و پیروان او به وجود اوپاسنا^۵ (عبادت) در طول مکشا اعتقاد دارند. آنها بر این باورند که موکته – جیوه ها اوپاسنا را با رضایت خودشان و بدون هیچ چشمداشتی انجام می دهند. این نظریه، ویژگی و خصوصیت منحصر به فرد مکتب مدهوه و متفاوت از سایر مکاتب هند است.

پیروان مکتب مدهوه به جیون موکتی اعتقاد دارند و بر این باورند که فرد در جایگاه جیون موکتی هیچ علاقه ای به امور جهان نشان نمی دهد تا دچار تشویش شود. تشویش باعث توهم و محدودیت می گردد. انسان در این جایگاه، با معرفتی که به دست می آورد، ویشنو را به عنوان عامل کل^۶ و خودش را وابسته به او می پندارد و با مشاهده تعالی ویشنو، از توهم (مهه)^۷، رنج، و ناراحتی^۸ (شکه)^۹ رها می شود.^{۱۰}

1. total identity

2. *Nyāyāmṛta*, p.46. ; Quoted by K. Narain in *An Outline of Mādhva Philosophy*, p.168.

3. Cf. Narain, K, *op.cit*, p.168.

4. pure consciousness

5. upāsana

6. all-doer

7. moha

8. misery

9. śoka

10. Cf. Raghavendrchar, H.N, " Madhva 's Brahma-Mīmāṃsā" , *The Cultural Heritage of India*, vol.3,p.331.

۳- نیمبارکه

نیمبارکه نیز مانند رامانوجه و مدهوه، معتقد است که ذات حقیقی جیوه در طول حیات مادی تحت تأثیر اویدیا پوشیده می ماند، درست مانند نور چراغی که در کوزه ای تابانده شود. با از بین رفتن اویدیا، ذات حقیقی جیوه متجلی می گردد و جیوه خودش را در یک رابطه بهدابده (همانی در عین ناهمانی) با برهمن درک می کند. روح نجات یافته اگرچه به همسانی با برهمن می رسد، اما هرگز کاملاً با برهمن یکی نمی شود و متمایز از او باقی می ماند. جیوه حتی در مکشا اندازه خود را حفظ می کند و به اندازه ذره باقی می ماند. این ویژگی جیوه، او را از برهمن متمایز می سازد. تنها برهمن است که قدرت خلقت، حفظ، و انهدام اجهان را دارد و جیوه در حالت مکشا فاقد این خصوصیات است. روح رستگار شده، فردیت خود را حفظ می کند و همچنان وابسته به برهمن باقی می ماند و تحت حفاظت و حمایت او قرار می گیرد.^۱

نیمبارکه به جیون موکتی در طول زندگی مادی اعتقاد ندارد. به عقیده او، توانایی های ذاتی روح در ارتباط با بدن نمی توانند متجلی شوند. شاید معرفت در طول حیات جسمانی جیوه حاصل شود، اما نتیجه واقعی ویدیا (معرفت)، با از بین رفتن "پراربده کرمن"^۲ها و خلاص شدن از شر بدن حاصل می گردد. بدین ترتیب نیمبارکه آموزه ویدهه موکتی یا نجات بعد از مرگ را مطرح می کند.^۳

1. Cf. Chaudhuri, Roma, "The Nimbārka School of Vedānta", *The Cultural Heritage of India*, vol.3, pp.340-342; Satyanand, Joseph, *Nimbārka*, pp.282-286.

۲. prārabdhakarman: کرمنه ای که در طول زندگی تجربه می شود.

3. Cf. Satyanand, Joseph, *op.cit*, p.278; Chaudhuri, Roma, *art.cit*, vol.3, p.339.

۴- ولبهه

از منظر ولبهه، اویدیا سبب می شود تا جیوه ها از وجود خودشان به عنوان بخشی از برهن، غافل شوند و تصور کنند که وجودی مستقل هستند و می توانند امور مختلف را با اراده خودشان انجام دهند. این امر، باعث پیدایش گناه و جدایی از برهن می شود. سمساره نیز دستاورد اویدیا و تصور جیوه در اثر عدم معرفت است.^۱ جیوه می تواند با معرفت درست به جیون موکتی دست یابد.^۲ ولبهه، جیوه ها را به سه دسته تقسیم می کند:

(۱) **پرواهه**^۳: جیوه هایی که تحت تأثیر اویدیا قرار دارند و به امور دنیوی می پردازند. این گروه، علت ارتباطشان با بدن های مادی تجربه می کنند. از این دسته، تعبیر به "جیوه های مادی"^۴ (سمسارین)^۵ می شود.

(۲) **مریاده**^۶: این دسته از جیوه ها به دستورات توصیه شده در *وداها* عمل می کنند و در محدودیت عمل قرار دارند.

(۳) **پوشتی**^۷: این قسم از جیوه ها، پروردگار را با عشقی که با لطف (انوگره)^۸ الهی ایجاد شده، عبادت می نمایند.^۹

این سه دسته به ترتیب، سه نوع مسیر متفاوت یعنی: پرواهه مارگه^{۱۰}، مریاده مارگه^{۱۱} و پوشتی مارگه^{۱۲} را در پیش می گیرند.

1. Cf. Barz , Richard , *The bhakti sect of Vallabhāchārya* , p.70.

2. Cf. Dasgupta , Surendranath , *op.cit* , Vol.4.p.347.

3. pravāha

4. mundane

5. Samsārin

6. maryāda

7. puṣṭi

8. anugraha

9. Cf. Radhakrishnan , S , *op.cit*, vol.2,p.757. ; Barz , Richard , *Loc.cit*. ; Hargovind Bhatt , Govindlal , " The School of Vallabha", *The Cultural Heritage of India*, vol.3,p.352.

10. pravāhamārga

11. maryādamārga

12. puṣṭimārga

ولبهبه، پوشتی جیوه ها^۱ و مریاده جیوه ها^۲ را "دئیوه جیوه ها"^۳ (ارواح الوهی، ارواحی که قابلیت رسیدن به اوذهاره^۴ را دارند) می نامد. پرواهه جیوه ها^۵، جیوه های اهریمنی هستند که استعداد کمی برای اوذهاره دارند. دودسته از پرواهه جیوه ها را می توان برشمرد: (۱) پرواهه جیوه هایی که آگاهانه و از روی عمد گناهکار و شرور هستند؛ (۲) آن دسته از پرواهه جیوه ها که از روی سهو گناهکار و شرور می باشند.^۶

"پره برهمن شری کریشنه"^۷ به منظور لیلا^۸ی خود، دو گروه مختلف از پوشتی جیوه ها را متجلی می سازد: (۱) جیوه های پاک و خالص^۹ (شودهه)^{۱۰} که دارای صفت ایشوریه پره برهمن هستند و تحت تأثیر اویدیا قرار نمی گیرند. این گونه از جیوه ها، اخلاصی کامل را نثار شری کریشنه می نمایند.^{۱۱} (۲) گروه دیگر، جیوه های مرکب^{۱۲} (میشره)^{۱۳} نامیده می شوند که سه نوع مختلف از پوشتی جیوه ها را به وجود می آورند:

- 1 . puṣṭi jiva
- 2 . maryāda jiva
- 3 . daiva jiva

۴ . uddahāra : رهایی از سمساره

- 5 . pravāha jiva
- 6 . Cf. Barz , Richard , *op.cit* , pp.71-72.

۷ . parabrahman śrī kṛṣṇa : بالاترین ذات از دیدگاه ولبهبه ، پره برهمن کریشنه است.

۸ . līlā: لیلا در لغت به معنای "شادی و سرور" و از نظر فلسفی تجلی برهمن در تمام جنبه های جهان مادی است. به اعتقاد نیمبارکه و سایر اندیشمندان مکتب ودانته، لیلا با فزونی بهجت و سرور پروردگار به مرحله عمل در می آید؛ به عبارت دیگر، جهان از بهجت و سرور نشأت می گیرد و با آن حفظ و منهدم می شود.

- 9 . pure
- 10 . śuddha
- 11 . Cf. Radhakrishnan , S , *Loc.cit* . ; Barz , Richard , *op.cit* , p.75.
- 12 . mixed jivas
- 13 . mishra

۱) در این نوع از پوشتی جیوه ها، که پوشتی جیوه ای دیگر با پوشتی جیوه ترکیب می شود. معرفت این نوع از جیوه ها، به طور ذاتی نامحدود است و به همه چیز معرفت دارند.

۲) پوشتی جیوه هایی که پوشتی جیوه، با یک مریاده جیوه درهم می آمیزد. اینها به گونه های بهگوان شری کریشنه معرفت دارند و معرفت آنها، فراتر از محدودیت های جهان مادی است.

۳) پوشتی جیوه هایی که پوشتی جیوه، با یک پرواهه جیوه ادغام می شود. این دسته از جیوه ها به امور دنیوی و تعلقات سمساره علاقه نشان می دهند.^۱

از دیدگاه ولبهه، پروردگار خودش را به صورت پنج کریا^۲ (عمل و تلاش) و معرفت متجلی می سازد. افرادی که آئین های ودایی را به جا می آورند و برطبق *اوپنیشادها* نسبت به برهمن معرفت کسب می کنند، به تدریج با در پیش گرفتن راه خدایان (دویانه) به مکشا خواهند رسید و از لذت الهی^۳ برخوردار خواهند شد. خداوند خودش را به شش صورت برای آنها متجلی می سازد، اما اگر این افراد مورد لطف خداوند قرارگیرند، به طور مستقیم بعد از مرگ به مکشا خواهند رسید. اشخاصی که آئین های ودایی را بدون چشمداشت و فقط برای خداوند انجام می دهند، اما هیچگونه معرفتی به برهمن ندارند، از آتماننده^۴ (بهجت روح)^۵ بهره مند خواهند شد. آتماننده از لحاظ معنوی به معنای لذت و شادی بی آلیش^۶ و ابدی روح است که نسبت به خوشی و بهجت افرادی که مورد لطف الهی قرار گرفته اند، در درجه پائین تری قرار دارد. اما آن دسته از افرادی که قربانی های ودایی را صرفاً

1. Cf. Barz, Richard, *Loc. cit.*

2. kriyā

3. divine joy

4. ātmānanda

5. the bliss of the soul

6. unmixed

برای تحقّق خواسته هایشان انجام می دهند، یا به عبارت دیگر، راه پرواهه مارگه را درپیش می گیرند، وارد سورگلکه^۱ (بهشت) خواهند شد. این اشخاص تا زمانی که شایستگی و نتایج اعمالشان به پایان رسد، در آنجا خواهند ماند و پس از آن به دنیا بازمی گردند و در چرخه تناسخ قرار خواهند گرفت.^۲

فردی که به برهمن معرفت دارد و از نظر او، هر چیزی در جهان برهمن است، عارف حقیقی محسوب می شود و به جای استغراق^۳ در برهمن یا "پورنه پوروشتمه"^۴، در "اکشره برهمن"^۵ مستغرق خواهد شد. زیرا چنین فردی تنها بر "اکشره برهمن" به عنوان حقیقت غایی متمرکز می شود و آن را بالاترین حقیقت می پندارد. اما چنانچه این معرفت با اخلاص همراه شود، عارف مخلص در "پورنه پوروشتمه" مستغرق خواهد شد که بالاتر از استغراق در "اکشره برهمن" است.

به علاوه مرحله دیگری فراتر از این دو مرحله وجود دارد که شاید برترین مرحله قلمداد شود. هنگامی که خداوند می خواهد روحی را مورد لطف خود قرار دهد، او را از خودش متجلی می سازد، به او جسمی الوهی مانند خودش می دهد، و تا ابد با او بازی می کند. پروردگار در این تفریح و سرگرمی (نیتیه-لیلا)^۶ تحت تأثیر انسان مخلص قرار نمی گیرد و تنها به او از خوشی و لذت مصاحبت خود عطا می نماید. از این بهجت عموماً با عنوان "بهجناننده"^۷ (بهجت اخلاص)^۸ به "سوروپاننده"^۹ (بهجت خود پروردگار)^{۱۰} نام برده می شود.

1. Svargalaka

2. Cf. Harigovind Bhatt , Govindlal , *art.cit* , vol.3.p.353.

3. absorb

4. pūrṇa puruṣottama

۵. Akṣarabrahman : صورت دیگر برهمن ، اکشره برهمن است . اکشره (لایزال) در مرتبه ای پائین تر از برهمن قرار می گیرد و واسطه ای بین برهمن و ماده است.

6. nitya-līlā

7. bhajanānanda

8. the bliss of devotion

9. svarūpānanda

10. the bliss of the Lord Himself

ولبیه بالاترین هدف را نجات یا موکتی نمی داند ، بلکه آن را در خدمت ابدی به شری کریشنه و شرکت کردن در لیلایهای او می بیند. او ارواح نجات یافته را به سه دسته تقسیم می کند :

(۱) دسته ای که خودشان را از عمل حیات قبلی رها ساخته اند، مانند سنکه^۱.
(۲) گروهی که در شهر خدا زندگی می کنند و در آنجا از طریق لطف خداوند نجات می یابند.

(۳) افراد دیگری هم وجود دارند که بهکتی را در پیش می گیرند، به عشق کامل می رسند، و خودشان را وقف پروردگار می نمایند.^۲

۵- کبیر و نانک

کبیر و نانک پس از رامانوجه ، مدهوه ، نیمبارکه و ولبیه، از مکشا تعبیر به "سهج سمدهی"^۳ می کنند. از نظر آنان، فرد می تواند با کنترل ذهن و ایجاد یک احساس پوچی بدانجا دست یابد.

کبیر، سهج را به عنوان جایگاهی توصیف می کند که سرشار از آرامش و سعادت است و هیچ اثری از دوگانگی در آن وجود ندارد. او در این رابطه می گوید: « همه در مورد سهج سخن می گویند ، اما هیچ کس نمی داند سهج حقیقتاً چیست. سهج حقیقتاً زمانی محقق می شود که فرد از همه خواسته هایش دست می کشد و حواس خود را تحت کنترل درمی آورد. در این هنگام، او فرزند، همسر، ثروت و خواسته خود را کنار می گذارد. هنگامی که کبیر خدمتکار رامه^۴ می شود. آن سهج حقیقی است؛ وقتی که فرد با رامه، پروردگار به یک شیوه طبیعی متحد می شود.»^۵

1. Sanaka

2. Cf. Radhakrishnan , S , *op.cit* , vol.2.p.760.

3. sahaj samādhi

4. Rāma

5 .Syamsundar Das , ed. Kabīr Granthāvalī (Hindi) , Nagari Pracharini Granthmālā , pp.41-42. ; Quoteb by Niharranjan Ray in *Medieval Bhakti Movements in India* , p.21.

به اعتقاد کبیر، سهج، اتحاد دو جنسیت مادی نیست، بلکه اتحاد دو اصل، یعنی خود فردی^۱ و خود کلی^۲ است.

نانک نیز مانند کبیر، هدف غایی انسان را اتحاد با خداوند می داند و از آن به "نیروان"^۳ یا "سهج"^۴ تعبیر می کند که تجربه ای غیر قابل وصف است. او می گوید:

«آتما^۵ در خداوند فانی و مستغرق می شود. آتما (فرد) با پرم آتما^۶ یکی می شود و دوگانگی از بین می رود.»^۷

او پنج مرتبه از سلوک را برمی شمارد که هر یک "کهند" یا "ساحت" نامیده می شوند و به هدف غایی "سچه کهند"^۸ منجر می گردند.

این مرحله، مرحله غایی سلوک فرد است که در آن، انسان به یک آمیختگی کامل با مطلق می رسد. در مورد آن نمی توان سخنی گفت و شناخت آن تنها با تجربه میسر است. فراتر از سه گونه^۹، یعنی تمس، رجس و ستوه قرار دارد، از این رو به "چهؤوتها پد"^{۱۰}، مرحله چهارم معروف است. همچنین به نام های

1 . Individual self

2 . Universal self

3 . Nirvān

4 . Sahaj

5 . ātmā

6 . Paramātmā

7 . Meleod .p.224. ; Quoted by Anil Chandra Banerjee in *The Sikh Gurus and the Sikh Religion* , p.105.

8 . Sach khand

۹. **guṇa**: گونه در لغت، به معنای ریسمان و طنابی است که برای بستن لوازم و اشیاء به کار می رود و در اصطلاح، بر عوامل تشکیل دهنده ماده دلالت دارد. ماهیت مادی از سه عامل به نام گونه تشکیل می شود که عبارتند از ستوه (**sattva**) به معنای خیر و پاکی، رجس (**rajas**) به معنای میل شدید و فعالیت، و تمس (**tamas**) به معنای ظلمت و تاریکی. این سه عامل از یک طرف مانند ریسمان های یک طناب "عوامل سازنده مادی" و از طرف دیگر "صفات ماده" هستند. فزونی هر کدام از آنها باعث تعیین خصوصیت یک ماده می شود.

10. **chauṭhā pad**

دیگری از قبیل "سهج پد"^۱، "توریه پد"^۲ یا "اوستها"^۳ نیز خوانده می شود. این جایگاه، جایگاه آرامش و راحتی^۴ مطلق، بیمرگی، سعادت، و شگفتی ابدی است. نور و شکوه غیر قابل وصفی در آن جا به چشم می خورد و بر فراز "دشم دوآر"^۵ و در همین می تابد. این آمیختگی، مانند آمیختگی یا ادغام نور فرد با نور خداوند، و قطرهٔ آب با اقیانوس است که طی آن، آتما^۶ی فردی در پرم آتما^۷ فانی و مستغرق می شود و دیگر هیچ اثری از دوگانگی باقی نمی ماند. در این مرحله فرد به طور مسلم با معشوق غایی درونی^۸ متحد می شود. گورو نانک، شخصی را که به این مرحله می رسد، به عنوان جیون موکته و این جایگاه را، جیون موکتی می داند. نانک علاوه بر خصوصیات فوق، ویژگی دیگری را برای این جایگاه برمی شمارد که "اناهد شبید"^۹ یا ندای غیبی است و خودش آن را در حالت غایی تجربه کرده است. او بر این باور است که اگر کسی این اتحاد و استغراق را تجربه کند، دچار هیچ شک و تردیدی نمی شود.^{۱۰}

نتیجه

از آن چه گذشت می توان نتیجه گرفت که اعتقاد به مکشا در تمامی کتب مقدس هندو اعم از سمهیتاها، براهمنه ها، اوپنیشادها و بهگود گیتا وجود دارد و

-
1. sahaj pad
 2. turia pad
 3. avasthā
 4. tranquillity
 5. daśam duār
 6. ātmā
 7. paramātmā
 8. the ultimate in-dwelling Beloved
 9. anāhad śabad
 10. Cf. Ray , Niharranjan , " The Concept of Sahaj in Guru Nanak's Theology and It's Antecedents " , *Medieval Bhakti Movements in India* , pp.18-19.

اندیشمندان بزرگی نظیر شنکره ، رامانوجه ، نیمبارکه ، مدهوه و ولبهه در آثار خود این اصطلاح را به کار برده اند و در تفسیر آن بسیار نگاشته اند. /وینیشاده، دو برداشت مختلف از مکشا را مطرح می کند که این دو، شباهت با خدا و یکی شدن با پروردگار هستند. گیتا نیز مانند /وینیشاده، بر این باور است که در این حالت، روح نجات یافته شبیه ذات الوهی می شود و به استغراق نمی رسد.

از نقطه نظر رامانوجه، نیمبارکه، مدهوه و ولبهه، نجات با از بین رفتن اویدیا حاصل می شود و روح رستگار شده به اتحاد دائمی با خداوند می رسد؛ اما هرگز همسان با او نمی شود. نیمبارکه و رامانوجه با ردّ جیون موکتی، بر این باورند که توانایی های ذاتی روح در هنگام ارتباط با بدن نمی توانند متجلی شوند و نجات با از بین رفتن بدن به دست می آید.

کبیر و نانک بر خلاف سایر افراد از مکشا با عنوان "سهج سمادهی" یاد می کنند که فرد می تواند با کنترل ذهن بدانجا دست یابد. آنها این حالت را به عنوان جایگاهی توصیف می کنند که سرشار از آرامش و سعادت است، هیچگونه نشانی از دوگانگی در آنجا وجود ندارد، و برای آن پنج مرحله برمی شمارند.

منابع

- Banerjee, Anil Chandra, *The Sikh Gurus and the Sikh Religion*, Monshiram Manoharlal Publishers.
- Barz, Richard, *The Bhakti Sect of Vallabhāchārya*, New Delhi ,Munshiram Manoharlal , New Delhi , 1992.
- Editor: Bhattacharyya, N.N., *Medieva Bhakti Movement in India* , New Delhi , Munshiram Manohalal , 1999.
- Editor: Bowker, John, *The Oxford Dictionary of World Religion* , New York , Oxford University Press , 1997.
- Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy* , 5 vol , Delhi , Motilal Banarsidass , Reprinted by Cambridge , 1973-2000.

- De La Valee, Louis, "Jivanmukta" ,*Encyclopedia of Religion & Ethics*, James Hastings (ed) , vol.7, Edinburgh T&T Clark , 1980.
- Dhavamony, Mariasusai, *Love of God, According to Saiva Siddhanta (A study in the Mysticism & Theology of Saivism)* , Oxford , At the Clardon Press, 1971.
- Edjerton, Franklin: *The Bhagvad Gita* , Massachusettsand London England , Harvard Cambridge, 1997.
- Esnoul, A.M, "Mokṣa", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed), vol.10, New York , Macmillan , 1986.
- Guota, Sanjukta, "Jivanmukta", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed), vol.7, New York, Macmillan, 1986.
- Editor: Haridas Bhattacharyya, M,A.,B.L.,P,R,S,Darśanasagara , *The Cultural Heritage of India* , vol.1,2,3,4, India , The Ramakrishna Mission Institute of Culture Calcutta.
- Klostermaier, Klaus K, *Hindu Writings*, London, Oneworld Publications, 2000.
- Mohony, K.William, "Karman", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed), vol.8, New York , Macmillan , 1988.
- Narain, K, *An Outline of Mādhva Philosophy*, Allahabad, Munshiram Manoharlal, second edition, 1986.
- Radhakrishnan, S, *Indian Philosophy*, 2 vols, George Allen and Unwinltd and New York: Humanities Press Inc.1969.
- Rhys Davids, C.A.F, "Mokṣa", *The Encyclopedia of Religion & Ethics*, James Hastings (ed),vol. 8 , Edinburgh T&T Clark , 1980.
- Satyanand, Joseph, *Nīmbārka*, New Delhi , Munshiram Manoharlal , 1997.
- Shivkumar, Muni, *The Doctrine of Liberation in Indian Religion: With Special Reference to Janism* , with a forward by L.M. Joshi , New Delhi , Munshiram Manoharlal , 2000.
- Smith, Brian, K, "Samsāra", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed) vol.13 , New York , Macmillan , 1986
- Spencer, Sidney , *Mysticism in World Religion*, London , Allen & Unwin .
- Veliath S.J. Cyril , *The Mysticism of Rāmānuj* , with a forward by Dr. Sengaku Mayada , New Delhi , Munshiram Manoharlal , 1993.
- Editor:Zaehnar, Robert Charles , *The Concise Encyclopedia of Living Faiths*, Boston , Beacon press , 1967.
- Zimmer, Henrich, Robert, *Philosophies of India*, New York , Patheon Books, 1953.